

راز پول

«ذهن هر آنچه را بتواند تصور کند، می‌تواند به دست آورد.»

— کلیمنت استون (۱۹۰۲-۲۰۰۲)

جک کانفیلد

راز مرا متحول کرد، زیرا من با پدری به شدت منفی‌نگر بزرگ شدم. او معتقد بود هر کس که پول دارد، حتماً سر کسی کلاه گذاشته است. با این حساب با باورهای جورواجوری درباره پول بزرگ شدم. فکر می‌کردم پول داشتن چیز بدی است و تنها آدم‌های بد پول دارند. یکی از عبارات مورد علاقه پدرم این بود: «فکر می‌کنی من کی هستم؟ راگفلر؟» با این حساب طوری بزرگ شدم که به واقع احساس می‌کردم زندگی دشوار است. تنها وقتی با کلیمنت استون ملاقات کردم، زندگی‌ام را تغییر دادم.

وقتی با استون کار می‌کردم، به من گفت: «می‌خواهم فکر بزرگی را به ذهنت راه بدهم. به طوری که وقتی به هدف

رسیدی سرت سوت بکشد و بدانی که این‌ها را از من آموخته‌ای. در آن زمان سالی هشت هزار دلار درآمد داشتم. از این رو گفتم: «می‌خواهم سالی یکصد هزار دلار کسب کنم.» ابدأ نمی‌دانستم که چگونه می‌توانم این کار را بکنم. راهکاری سراغ نداشتم. امکاناتی هم نداشتم. با این حال گفتم: «این را اعلام و باور می‌کنم. طوری رفتار می‌کنم که انگار به خواسته‌ام رسیده‌ام.» و این کار را کردم.

یکی از توصیه‌های او به من این بود که همه‌روزه چشمانم را ببندم و در ذهن خود تصور کنم که به آنچه می‌خواستم رسیده‌ام. من یک اسکناس صد هزار دلاری درست کرده و آن را به سقف چسبانده بودم. بنابراین هر روز صبح اولین چیزی که چشمانم می‌دید اسکناس صد هزار دلاری بود. بعد چشمانم را می‌بستم و فکر می‌کردم که با این مقدار پول از چه سطحی از زندگی بهره‌مند خواهم شد. ناسی روز هیچ اتفاقی نیفتاد. هیچ فکر خلاق و بزرگی به ذهنم نرسید. کسی به من بولی پیشنهاد نکرد.

چهار هفته بعد راه کسب یکصد هزار دلار به ذهنم رسید. کتابی نوشته بودم، و با خود گفتم اگر بتوانم چهارصد هزار جلد از این کتاب را بفروشم، یکصد هزار دلار به دست می‌آورم. کتاب حی و حاضر بود، اما من هرگز به آن فکر نکرده بودم. ابدأ نمی‌دانستم که چگونه ممکن است بتوانم چهارصد هزار جلد کتاب بفروشم. در سوپرمارکت چشمم به

مجله‌ای به نام نشنال اینکوایر افتاد. این مجله را میلیون‌ها بار دیده بودم، اما از کنارش بی‌توجه گذشته بودم. ناگهان به ذهنم رسید که اگر خوانندگان آن نشریه از کتاب من آگاهی پیدا کنند، چهارصد هزار نفر کتابم را می‌خرند.

شش هفته بعد در هانتر کالج نیویورک برای ششصد معلم سخنرانی کردم. وقتی صحبت‌م تمام شد، زنی به من مراجعه کرد و گفت: «صحبت‌هایتان عالی بود. می‌خواهم با شما مصاحبه کنم. اجازه بدهید کارتم را به شما بدهم.» معلوم شد او برای نشریه نشنال اینکوایر مقاله می‌نویسد. وقتی مصاحبه‌ام به چاپ رسید، فروش کتابم ناگهان افزایش یافت.

نکته اینجاست که من همه این حوادث را به زندگی خودم جذب کرده بودم. خلاصه کلام اینکه در آن سال یکصد هزار دلار درآمد به دست نیآوردم. نود و دو هزار و سیصد و بیست و هفت دلار کسب کردم. اما فکر می‌کنید افسرده شدم و گفتم «این روش مؤثر واقع نمی‌شود؟» نه. به جای آن گفتم: «این روش حیرت‌انگیزی است.» بعد زخم از من پرسید: «اگر این روش برای کسب صد هزار دلار درآمد مناسب است، فکر می‌کنی برای یک میلیون دلار هم اثربخشی داشته باشد؟» در جوابش گفتم: «نمی‌دانم. اما می‌توانیم امتحان کنیم.»

ناشر من تصمیم گرفت امتیاز اولین کتاب غذای روح را خریداری کند. برای این کار چکی به مبلغ یک میلیون دلار برایم نوشت.

دانش راز و استفاده آگاهانه از قانون جذب در هر زمینه‌ای از زندگی کاربرد دارد. چنین فرایندی برای هر چیزی که بخواهید خلق کنید وجود دارد. موضوع پول هم از این قاعده مستثنی نیست.

برای جذب کردن پول باید روی ثروت دقیق شوید. اگر به این توجه کنید که به اندازه کافی پول ندارید، غیرممکن است بتوانید پولدار شوید. علتش این است که به چیزی فکر می‌کنید که از آن به اندازه کافی ندارید. وقتی درباره کم‌پولی فکر می‌کنید، تنها آنچه را ناکافی است به طرف خود جذب می‌کنید. برای اینکه پولدار شوید، به فراوانی پول فکر کنید.

باید با اندیشه‌های خود علامت جدیدی مخابره کنید. باید فکر کنید بیش از مقدار کافی پول دارید. وانمود کنید بیش از حدی که می‌خواهید پول دارید. جالب اینجاست که به محض آنکه وانمود می‌کنید پولدار هستید، احساس بهتری پیدا می‌کنید.

فراوانی را جذب کنید

تنها دلیل پول نداشتن بعضی‌ها این است که با اندیشه‌های خود راه ورود پول را مسدود می‌کنند. هر فکر و هر احساس منفی مانع آن می‌شود که آنچه خوب و خواستی است به سوی شما سرازیر گردد. پول هم از این قاعده مستثنی نیست. این‌طور نیست که عالم هستی پول را از شما دریغ کند، زیرا همه پولی که لازم دارید در جهان هستی به شکل نامرئی وجود دارد. اگر به اندازه کافی پول ندارید، علتش این است که جلوی جریان پول

به سوی خود را مسدود کرده‌اید. این کار را با اندیشه‌های خود انجام می‌دهید.

وقتی به پول احتیاج دارید، احساس قدرتمند درون شما احتیاج است. بنابراین عالم هستی احتیاج به پول را به شما ارزانی می‌دارد.

می‌توانم بر اساس تجربه خودم درباره پول حرف بزنم، زیرا قبل از آنکه راز را کشف کنم، حسابدارانم به من گفتند که شرکت آن سال ضرری فاحش داشته است و تا سه ماه دیگر در آن بسته می‌شود. بعد از ده سال فعالیت، شرکت داشت از دستم می‌رفت، و چون برای اداره این شرکت به پول احتیاج داشتم، وضع مرتب بدتر می‌شد. به نظر می‌رسید راه نجاتی وجود ندارد.

بعد راز را کشف کردم و همه زندگی‌ام، از جمله موقعیت شرکت، متحول شد، زیرا طرز فکر کردنم را تغییر دادم. حالا به تنعم و فراوانی پول فکر می‌کردم. با تمام ذرات وجودم احساس می‌کردم کائنات پول مورد نظرم را تأمین خواهد کرد. و همین اتفاق هم افتاد. کائنات به من راه‌هایی نشان داد که حتی تصورش را هم نمی‌کردم. البته در مواقعی تردید سراغم می‌آمد، اما هر بار این اتفاق می‌افتاد، ذهنم را متوجه پولدار بودن و تنعم می‌کردم. به خاطر پولدار بودنم تشکر می‌کردم، به نشاط می‌رسیدم، و باور می‌کردم.

می‌خواهم درباره راز حرفی به شما بزنم. راه میانبر برای رسیدن به هر خواسته‌ای در زندگی این است که در همین لحظه خوشحال باشید. این سریع‌ترین راه پولدار شدن و رسیدن به هر خواسته‌ای است که در زندگی

دارید. روی موجی که به عالم هستی ساطع می‌کنید دقیق شوید. بگذارید شادی و نشاط باشد. وقتی این کار را می‌کنید، متقابلاً شادی و نشاط را به خود جذب می‌کنید. قانون جذب، اندیشه‌ها و احساسات شما را به خودتان بازگشت می‌دهند.

روی موفقیت دقیق شوید

دکتر جو ویتال

می‌توانم فکری را که در سر بسیاری از مردم وجود دارد تصور کنم: «چگونه می‌توانم پول قابل ملاحظه‌ای را به زندگی‌ام سرازیر کنم؟ چگونه می‌توانم اسکناس‌های درشت بیشتری داشته باشم؟ چگونه می‌توانم به ثروت و موفقیت بیشتری برسم؟»

این به مطالبی برمی‌گردد که در کل راز به آن‌ها اشاره کرده‌ایم. کار شما این است که با مراجعه به کاتالوگ عالم هستی، آنچه را می‌خواهید سفارش بدهید. «در ۳۰ روز آینده دوست دارم ۲۵۰۰۰ دلار پول غیرمنتظره به دستم برسد.» خواسته‌تان هرچه هست، باید برایتان باورکردنی باشد.

اگر در گذشته فکر کرده‌اید که تنها از طریق شغل‌تان می‌توانید پول به دست آورید، بهتر است این فکر را بی‌تأمل از سر‌تان دور کنید. این قبیل افکار کاری برایتان صورت نمی‌دهد.

حالا به این نتیجه می‌رسید که نعم برای شما وجود دارد. کار شما این نیست که بدانید این پول چگونه به شما می‌رسد. کار شما این است که بخواهید پولدار شوید، باور کنید که پولدار می‌شوید، و در لحظه از آن خشنود باشید. جزئیات کار را، و اینکه چگونه پولدار می‌شوید، به عالم هستی بسپارید.

باب پراکتور

اغلب اشخاص می‌خواهند از بدهکاری نجات پیدا کنند. این شما را برای همیشه بدهکار نگه می‌دارد. شما به هرچه فکر کنید، همان را جذب می‌کنید. ممکن است بگویید: «اما من می‌گویم می‌خواهم از بدهی نجات پیدا کنم.» مهم نیست که می‌خواهید نجات پیدا بکنید یا نکنید. اگر به بدهی فکر کنید، بدهی را جذب خود می‌کنید. برنامه‌ای منظم برای پرداخت بدهی‌های خود تهیه ببینید و بعد به پولدار شدن فکر کنید.

وقتی بدهی‌هایی دارید که نمی‌دانید چگونه می‌خواهید آن‌ها را بپردازید، روی این بدهی‌ها دقیق نشوید، زیرا با این کار بدهی بیشتری را جذب می‌کنید. باید راهی پیدا کنید که به موفقیت و پولدار شدن فکر کنید. باید راهی برای رسیدن به احساس خوب پیدا کنید تا آنچه را خوب است نصیب خود کنید.

جیمز ری

بازها اتفاق افتاده که اشخاص به من می‌گویند: «می‌خواهم در

سال آینده درآمدم را دو برابر کنم.» اما وقتی به اعمال و رفتارشان دقیق می‌شوید، می‌بینید کاری را که باید انجام بدهند انجام نمی‌دهند. آن‌ها به خودشان می‌گویند: «از عهده این کار بر نمی‌آیم.» و همان‌طور که می‌دانید، عالم هستی به آن‌ها می‌گوید: «فرمانبردارم، ارباب!»

اگر جمله «از عهده‌اش بر نمی‌آیم» از میان لبانتان خارج شده باشد، باید همین حالا نظرتان را تغییر دهید. به جای آن بگویید: «از عهده‌اش بر می‌آیم.» می‌توانم این را بخرم.» این حرف را بارها و بارها تکرار کنید. مثل طوطی در سی روز آینده به هر چه رسیدید، بگویید: «از عهده تهیه آن بر می‌آیم.» وقتی به لباسی که دوست دارید برخورد می‌کنید، بگویید: «از عهده خرید آن بر می‌آیم.» این‌گونه خودتان را متقاعد می‌کنید که از عهده تهیه آن بر می‌آید. در این صورت تصاویر زندگی‌تان تغییر می‌کند.

لیزا نیکولز

وقتی به کمبود فکر می‌کنید، وقتی به آنچه ندارید می‌اندیشید، وقتی این‌گونه با اعضای خانواده و دوستانان حرف می‌زنید، وقتی به فرزندانان می‌گویید به اندازه کافی پول ندارید - «پول کافی برای خرید آن را نداریم. نمی‌توانیم از عهده تهیه‌اش برآیم» - هرگز از عهده خرید آن بر نخواهید آمد. زیرا می‌خواهید آنچه را ندارید به خود جذب کنید. اگر خواهان تنعم هستید، اگر خواهان موفقیت هستید، به تنعم بیندیشید، روی موفقیت دقیق شوید.

«آن جوهر معنوی که همه ثروت‌های معنوی از آن نشئت می‌گیرد هرگز تهی نمی‌شود. در تمام مواقع با شماست و نسبت به باوری که به آن دارید واکنش مثبت نشان می‌دهد.»

- چارلز فیلمور (۱۸۵۴-۱۹۴۸)

حالا که راز را می‌شناسید، وقتی کسی را که ثروتمند است می‌بینید، متوجه می‌شوید که فکر و اندیشه غالب او تنعم و سرشاری است، نه کمبود و کاستی. ثروتمندان ثروت را به سوی خود جذب کرده‌اند، خواه این کار آگاهانه صورت گرفته باشد و خواه ناآگاهانه. ثروتمندان به ثروت فکر کردند، و عالم هستی این ثروت را به آن‌ها داد.

ثروتی را که آن‌ها دارند، شما هم دارید. تنها تفاوت میان شما و آن‌ها در این است که آن‌ها به گونه‌ای اندیشیدند که ثروت را نصیبشان کرد. ثروت شما به شکل نامرئی انتظارتان را می‌کشد. برای مرئی کردن آن به ثروت بیندیشید.

دیوید شیرمر

وقتی راز را آموختم، هم‌روزه قبوض پرداختی با پست برآیم می‌رسید. از خود پرسیدم: «چگونه می‌توانم این وضع را تغییر بدهم؟» قانون جذب می‌گوید روی هر چه دقیق شوید، آن را می‌گیرید. از این رو صورت حساب موجودی‌ام را از بانک گرفتم. مبلغ کل موجودی‌ام را لاک گرفتم و به جای آن رقمی را که دوست داشتم در حسابم داشتم باشم نوشتم. بعد تصور

کردم چک‌های متعددی با پست برابم فرستاده می‌شود. در مدت یک ماه وضع تغییر کرد. به راستی که حیرت‌انگیز بود. این روزها هرچه از پست دریافت می‌کنم، چک است. البته قبوض پرداختی هم دریافت می‌کنم، اما میزان دریافت چک به مراتب بیشتر است.

از زمان اکران شدن فیلم راز، صدها و صدها نامه از اشخاص دریافت کرده‌ام که در آن‌ها نوشته‌اند از طریق پست چک‌های بی‌شماری دریافت کرده‌اند. این کار با توجه کردن به حکایت دیوید برایشان حاصل شده است.

من بازی‌ای را تدارک دیده‌ام که تحت تأثیر آن، توجهم از انبوه قبوض پرداختی به سوی توجه به چک‌ها متمایل می‌شود. وقتی در پاکت‌ها را باز می‌کنم، با خوشحالی فریاد می‌کشم: «باز هم پول بیشتر برای من!» قبوض پرداختی را چک در نظر می‌گیرم و یک صفر جلوی آن‌ها اضافه می‌کنم. در دفترچه‌ام کنار هر وجهی کلمهٔ «مشکرم» را می‌نویسم. به خاطر دریافت کردن آن‌ها احساس حق‌شناسی می‌کنم، تا حدی که اشک در چشمانم حلقه می‌زند. بعد این قبوض پرداختی را، که نسبت به آنچه دریافت کرده‌ام بسیار کمتر به نظر می‌رسد، می‌پردازم.

هرگز بدون این احساس که درون پاکت برابم چک گذاشته‌اند، نامه‌هایم را باز نمی‌کنم. اگر پاکت را قبل از متقاعد کردن خودم به اینکه درون آن چک است باز کنم، احساس می‌کنم قبوض پرداختی بیشتری برابم رسیده است. این روش به من کمک کرد و توانستم چک‌های بیشتری دریافت کنم.

لورال لانگمیر

کارشناس مالی، سخنران، و مشاور شخصی و شرکی در سنین رشد، مرتب به من می‌گفتند: «برای پول درآوردن باید زحمت فراوان بکشی.» من این عبارت را با «پول آسان و زیاد به دست می‌آید» عوض کردم. در شروع کار به نظر می‌رسد که دروغ باشد، نه؟ بخشی از مغز شما می‌گوید: «تو دروغ‌گویی. پول درآوردن دشوار است.» این توپ تینسی است که تاملتی در زمین رفت و آمد می‌کند.

اگر در این اندیشه‌اید که «برای پول درآوردن باید خیلی تلاش کنم»، این فکر را بلافاصله از ذهن خود دور کنید. این اندیشه شما را در موقعیتی قرار می‌دهد که به راحتی کسب درآمد نکنید. به توصیهٔ لورال لانگمیر توجه کنید. به جای آن از عبارت «پول آسان و زیاد به دست می‌آید» استفاده کنید.

دیوید شیرمر

در زمینهٔ خلق ثروت، ثروت ذهنیت شماست. چیزی است که باید به آن فکر کنید.

لورال لانگمیر

باید بگویم ۸۰ درصد مشاوره‌های من با اشخاص، دربارهٔ روان‌شناسی و طرز فکر کردن است. وقتی آن‌ها می‌گویند «شما می‌توانید این کار را بکنید، اما من نمی‌توانم»، می‌دانم که

آن‌ها می‌توانند ارتباط درونی و نحوه صحبت خود در مورد پول را تغییر بدهند.

«خبر خوش این است که درست در لحظه‌ای که به این نتیجه برسید که آنچه می‌دانید مهم‌تر از آن چیزی است که باور کردنش را به شما آموزش داده‌اند، در جهت رسیدن به تنعم به حرکت در می‌آید. موفقیت موضوعی مربوط به درون است و با بیرون رابطه‌ای ندارد.»

— رالف والدو امرسون (۱۸۰۳-۱۸۸۲)

اگر پول بیشتری می‌خواهید، باید نسبت به پول احساس خوبی داشته باشید. کاملاً قابل درک است که اشخاص وقتی به اندازه کافی پول ندارند، نسبت به آن احساس خوبی پیدا نمی‌کنند. زیرا به اندازه کافی پول ندارند. اما این احساسات منفی درباره پول مانع آن می‌شود که پول بیشتری به دست شما برسد. باید این چرخه را متوقف سازید. و این اتفاق زمانی می‌افتد که درباره پول به احساس بهتری برسید. باید به خاطر پولی که دارید سپاسگزار باشید. با خود بگویید: «بیش از حد کافی پول دارم.» پول فراوان است و به سوی من در حرکت است. «من جذب‌کننده پول هستم.» «من همه روزه پول دریافت می‌کنم.» «متشکرم، متشکرم، متشکرم.»

پول بدهید تا پول به دست آورید

پول دادن روش مؤثر و قدرتمندی برای پول به دست آوردن است. زیرا وقتی پول می‌دهید، در اصل می‌گویید: «من پول فراوان دارم.» شاید برایتان

جالب باشد که ثروتمندترین مردم جهان، نوعدوستان بزرگی هستند. آن‌ها پول کلانی را صرف کارهای بشر دوستانه می‌کنند. و چون پول می‌دهند، طبق قانون جذب، عالم هستی به رویشان گشوده می‌شود و مبالغ هنگفت پول به دستشان می‌رسد.

اگر فکر می‌کنید «پول زیادی ندارم که بدهم»، بدانید که کار دست خودتان می‌دهید. حالا می‌دانید که چرا به اندازه کافی پول ندارید. وقتی فکر می‌کنید پول کافی ندارید، بیشتر خرج کنید. قانون جذب باید به شما پول بیشتری بدهد تا بتوانید بیشتر خرج کنید.

میان پول دادن و از خود گذشتگی تفاوت بزرگی وجود دارد. پول دادن از صمیم قلب تولید احساس خوشایند می‌کند، اما وقتی از خود گذشتگی می‌کنید، معمولاً احساس خوبی پیدا نمی‌کنید. دادن به طیب خاطر به شدت لذتبخش است. این‌گونه، قانون جذب به کمک شما می‌آید تا پول بیشتری به جانبان سرازیر کند.

جیمز ری

آدم‌های زیادی را می‌شناسم که پول هنگفتی به دست می‌آورند، اما روابطشان بسیار بد است. این ثروت نیست، ممکن است به دنبال پول بروید و پولدار شوید، اما این تضمینی نمی‌کند که ثروتمند باشید. نمی‌گویم که پول بخشی از ثروت نیست. صد در صد هست. اما تنها بخشی از آن است.

از سوی دیگر، به اشخاصی معنوی برمی‌خورم که بیمار و

ورشکسته هستند. این هم ثروت نیست. زندگی قرار است سرشار باشد - در همه زمینه‌ها.

اگر شما را به گونه‌ای تربیت کرده‌اند که فکر می‌کنید ثروتمند بودن معنوی نیست، بدانید که در اشتباهید. می‌توانید کتاب‌های کاترین پاندر دربارهٔ میلیونرهای کتاب مقدس را بخوانید. متوجه می‌شوید که همهٔ بزرگان کتاب مقدس کسب ثروت را توصیه کرده‌اند و خود پولدارهای بزرگی بوده‌اند.

موفق و پولدار شدن حق مادرزادی شماست. کلید رسیدن به تنعم در اختیار شماست. شما شایستهٔ آنید که چیزهای خوب زندگی را داشته باشید. عالم هستی خواسته‌های شما را برآورده می‌سازد، اما کلید در اختیار شماست. این کلید، افکار و احساسات شماست. شما در تمام عمر خود این کلید را در دست دارید.

مارسی شیموف

بسیاری از اشخاص در فرهنگ‌های غربی خواهان دستیابی به موفقیت هستند. خانه‌های بزرگ و کار و کاسبی پررونق می‌خواهند. همهٔ چیزهای دنیوی را می‌خواهند. اما بررسی‌های ما نشان می‌دهد داشتن این چیزهای دنیوی به معنای رسیدن به خوشبختی نیست. دنبال مادیات دنیوی می‌رویم، اما به خوشبختی نمی‌رسیم. باید مترصد شادی درون باشیم. به آرامش درون فکر کنید. ابتدا به درون فکر کنید تا آنچه بیرونی است از راه برسد.

آنچه می‌خواهید، موضوعی درونی است! دنیای بیرون معلول است؛ نتیجهٔ اندیشه است. اندیشه و احساس و ارتعاشات خود را روی خوشبختی متمرکز کنید. احساس خوشبختی از خود ساطع کنید و آن را به جهان هستی بدهید. این‌گونه، بهشت را روی زمین تجربه می‌کنید.

خلاصه راز

- برای جذب پول، به ثروت توجه کنید. وقتی به نبود پول و ثروت فکر می کنید، نمی توانید آن را به زندگی خود راه دهید.
- از تصور خود استفاده کنید. وانمود کنید که به خواسته های خود رسیده اید و پولی را که می خواهید به دست آورده اید.
- احساس شادی کردن در لحظه حال، سریع ترین راه سرازیر کردن پول به زندگی است.
- عادت کنید که به هرچه نگاه می کنید، بگویید: «از عهده تهیه آن برمی آیم.» می توانم آن را بخرم. این گونه درباره پول احساس بهتری به دست می آورید.
- برای اینکه پول بیشتری به دست آورید، پول بیشتری خرج کنید. وقتی در برخورد با پول سخاوت داشته باشید، به احساس بهتری می رسید.
- تصور کنید که چک های متعددی به سویتان در حرکت است.
- به ثروت بیندیشید.

راز روابط

مری دایموند

مشاور فنگ شویی، معلم، و سخنران

راز بدین معناست که ما خالق عالم هستی خود هستیم، و اینکه هر آرزویی که می خواهیم خلق کنیم، در زندگی مان متجلی می شود. بنابراین آرزوها، اندیشه ها، و احساسات ما بسیار مهم هستند، زیرا متجلی می شوند.

ممکن است ندانیم چه افکاری در سر داریم، اما با نگاهی به کارهایی که کرده ایم، می توانیم متوجه شویم چه فکری در سر داشته ایم. وقتی می خواهید چیزی را به زندگی خود جذب کنید، دقت کنید که عملتان با خواسته تان تناقض نداشته باشد. مایک دولی، یکی از معلمانی که در فیلم راز ظاهر شد، در یکی از توارهای آموزشی اش به خوبی به این مطلب اشاره کرده است. ماجرا درباره زنی است که می خواست همسر بی کم و کاستی پیدا کند. همه کارها را به درستی انجام داده بود. می دانست که می خواهد همسرش چه شکل و شمایل داشته باشد. فهرست مفصلی از خصوصیات او تهیه کرده بود، اما به رغم همه این ها، هیچ نشانه ای از او پیدا نمی کرد.